

اقدام مردم براي بيعت با امام علي(ع)

اقدام مردم براي بيعت با امام علي(ع) در سال 35 هجري قمری



اقدام مردم براي بيعت با امام علي(ع) در سال 35 هجري قمری

پس از آن که عثمان بن عفان [سومین خلیفه راشدین] به دست مسلمانان معترض و انقلا بیون مهاجر مصری در خانه اش کشته شد و مخالفان خلیفه به پیروزی رسیدند، همگی در مسجد النبی(ص) گرد هم آمده و درباره انتخاب خلیفه ای دیگر به گفتگو پرداختند. از میان اعضای شورای شش نفره ای که عمر بن خطاب [دومین خلیفه راشدین] برای انتخاب خلیفه پس از خود تعیین کرده بود، دو نفر [یعنی عبدالرحمن بن عوف و عثمان بن عفان] از دنیا رفته و چهار نفر دیگر، یعنی: حضرت علی(ع)، سعد بن ابی وقاص، زبیر بن عوام و طلحه بن عبیدالله در قید حیات بودند و اکثر قریب به اتفاق مردم، خواهان آن بودند که یکی از آنان، مقام خلافت را بر عهده گیرد. ولی مظلومیت امیر مؤمنان علی بن ابی طالب(ع) پس از رحلت پیامبر اکرم(ص) و غصب خلافت از وی از یک سو و حق گرایی و عدالت خواهی آن حضرت از سوی دیگر، مردم انقلابی و مسلمانان واقعی و دلسوز را واداشت که بیش از همه، تمایل به انتخاب آن حضرت داشته باشند.

بدین جهت چندین تن از صحابه رسول خدا(ص) و مسلمانان مبارز و سر دسته های مخالفان عثمان، مانند عمار بن یاسر، ابو ایوب انصاری، ابوهیثم بن تیهان، رفاعه بن رافع، مالک بن اشتر نخعی، خزیمه بن ثابت و مالک بن عجلان در میان مردم از شایستگی ها و فضایل امیر مؤمنان علی بن ابی طالب(ع) داد سخن داده و مردم را یک پارچه به سوی خانه حضرت علی(ع) به راه انداختند و از آن حضرت، مصرانه در خواست پذیرش خلافت اسلامی را نمودند.

حضرت علی(ع) که به مدت بیست و پنج سال از حق طبیعی والهی خویش محروم مانده بود و هم اینک زمانی مردم به وی روی آوردند که فتنه و آشوب، سراسر عالم اسلام را فرا گرفته بود، آن حضرت، آینده خلافت را چندان روشن نمی دید و بدین لحاظ از پذیرفتن آن امتناع نمود و فرمود: اگر من وزیر شما باشم بهتر است از اینکه امیر شما قرار گیرم و هرکسی شما بر گزینید، من نیز به آن راضی خواهم بود.

ولی مردم فریاد می زدند که ما جز تو کسی را شایسته این مقام نمی بینیم و می خواهیم بار دیگر ست رسول خدا(ص) در میان مسلمانان زنده گردد.

امام علی بن ابی طالب(ع) که با اصرار مهاجر و انصار مدینه و مسلمانان انقلابی شهر های مختلف، مانند کوفه، بصره، مصر و یمن روبرو بود، چاره ای جز پذیرش در خواست آنان نداشت، ولی از باب اینکه رأی دادن مردم و بیعت آنان با حضرت، تنها حالت احساسی و عاطفی نداشته و همراه با اندیشه و تدبّر باشد، آنان را به روز دیگر وعد داده، که اگر ثابت قدم بوده و در خواسته خود اصرار داشته باشند، با حضور صحابه کبار و بزرگان مهاجر و انصار در مسجد النبی(ص) گرد هم آمده و با وی بیعت نمایند.

مردم برای روز بعد، به انتظار نشسته و برای بیعت با امیر مؤمنان(ع) لحظه شماری می کردند. تا اینکه خورشید فروزان روز نودهم ذی حجه، مدینه متوره را تابناک و روشن کرد و مردم دوستدار ولایت و منتظران طلوع حقیقت را به مسجد النبی(ص) کشانید. در این هنگام مولای متقیان حضرت علی(ع) به همراه یاران وفادار و صحابه کبار وارد مسجد پیامبر(ص) شد و با حضور خود، جمعیت انبوه را به وجد و شادمانی آورد و با صلوات و سلام آنان بر فراز منبر رسول خدا(ص) قرار گرفت و با خواندن خطبه ای، بار دیگر از آنان، در خواست نمود که از وی صرف نظر کرده و شخص دیگری را به این مقام بر گزینند، ولی مردم یکپارچه فریاد بر داشتند که غیر از تو کسی را برای این مقام شایسته نمی دانیم. و در این هنگام، و بر خاستند و به صف ایستاده و منتظر بیعت با آن حضرت شدند.

نخستین کسی که پیش دستی کرد و در صف مقدم با آن حضرت بیعت کرد، طلحه بن عبیدالله بود. گویند دست وی و یا یکی از انگشتانش در یکی از جنگ ها مصدوم شده و شل بود و چون با آن دست بیعت کرد، یکی از حاضران در مجلس به نام قبیصة بن جابر اسدی گفت: انالله وانا الیه راجعون. عجب حالتی! اول دستی که بر دست امیر مؤمنان(ع) به بیعت داده شد، دست شل است. به خدا سوگند که بیعت طلحه پایدار نماند و ناقص گردد.

به هر روی، تمامی مهاجران و انصار مدینه و انقلابیون و مهاجران شهرهای مختلف، در آن روز با آن حضرت بیعت کرده و به شادمانی پرداختند.

تنها عده ای اندک از مهاجران و انصار مدینه با آن حضرت بیعت نکرده و خود را با این رفتارشان منزوی و رسوا نمودند. تعداد آنان در حدود ده نفر بود .

حضرت علی(ع) که جانشین منصوب و منصوص رسول خدا(ص) بود، پس از 25 سال محرومیت از حق خویش، به یاری خدای بزرگ و همت مسلمانان حقیقت گرا در 19 ذی حجه سال 35 قمری به خلافت اسلامی نایل آمد و زمام امور مسلمانان را به دست با کفایت خویش گرفت.